

صلى الله عليه وسلم



دانشگاه الزهراء(س)

دانشکده: الهیات

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته الهیات گرایش فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

"موانع معرفت از دیدگاه علامه طباطبایی(ره)"

استاد راهنما

دکتر نرگس نظر نژاد

استاد مشاور

دکتر مهناز امیرخانی

دانشجو

زهرا ایزی

شهریور ۹۱

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به

دانشگاه الزهراء(س) می باشد.

تقدیم به عالم ربّانی و اندیشمند الهی

روح بزرگ علامه طباطبایی (قدس سره)

تقدیر و تشکر:

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت‌های او را ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن، نتوانند.

باسپاس از سه وجود مقدس:

آنان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم، موهایشان سپید شد تا ما روسفید شویم، و عاشقانه سوختند تا گرما بخش وجود ما و روشنگر راهمان باشند.

پدرانمان، مادرانمان و استادانمان

با درود فراوان به روح پرفتح پدر بزرگوام و سپاس بیکران از مادر دلسوز و مهربانم که سجده ایثارش گل محبت را در وجودم پروراند.

و با تقدیر و تشکر شایسته از استاد فرهیخته و فرزانه سرکار خانم دکتر نرگس نظرنژاد که با نکته‌های دل‌آویز و گفته‌های بلند، صحیفه‌های سخن را علم پرور نمود و همواره راهنما و راه‌گشای این کمترین در اتمام و اکمال پایان نامه بوده است. و با سپاس از استاد مشاورم سرکار خانم دکتر مهناز امیرخانی که گلشنِ سرای علم و دانشند.

و در انتها:

قدردانی می‌کنم از همسرم که قلبی آکنده از عشق و معرفت را با محیطی سرشار از سلامت و امنیت، آرامش و آسایش را برای من فراهم آورده است، همدلی که با واژه نجیب و مغرور تلاش، آشنایی دارد و تلاش راستین را می‌شناسد و مرا در راه رسیدن به اهداف عالی یاری می‌رساند. هم او که حس تعهد و مسئولیت را در زندگیم تالوویی خدایی داده است.

چکیده

این پژوهش با محوریت موضوع موانع معرفت از دیدگاه فیلسوف مسلمان علامه طباطبایی(ره) به بررسی و تبیین نظر ایشان در باره معرفت و عوامل بازدارنده آن می‌پردازد. در نظر علامه، معرفت نسبت به اسماء و صفات الهی، معرفت حقیقی، و مایه سعادت و کمال آدمی است. در نظام معرفت شناختی علامه، حقیقت علم، امری وجودی و افاضه‌ای از عالم بالا بر قلب (نفس) انسان است و انسان به میزان استعداد و آمادگی‌اش می‌تواند با عقل فعال متحد گردد و صورتهای عقلی را از آن کسب کند. جستجو در آثار علامه نشان می‌دهد موانعی چون انحراف از حکم عقل، طبیعت‌گرایی صرف، عقل‌گرایی صرف، جهل به سیر انفسی، عدم اعتدال قوای نفسانی، تصرفات شیطان و دنیاطلبی از جمله موانع شناختی و غیرشناختی معرفت است که باعث عدم دریافت قابلیت لازم جهت کسب معرفت حقیقی می‌شود. به کارگیری منطق، معرفت نفس، طهارت قلب و تقوی از جمله سفارش‌های علامه برای تحصیل یقین است.

کلید واژگان: علامه طباطبایی، معرفت شناسی، موانع شناختی معرفت، موانع غیر شناختی

معرفت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۱- فصل اول	
۸	۱-۱- تعریف معرفت شناسی.....
۹	۲-۱- تعریف معرفت.....
۹	۱-۲-۱- تعریف اصطلاحی معرفت.....
۱۰	۲-۲-۱- ماهیت باور.....
۱۱	۳-۲-۱- نقش انسان در تحصیل باور.....
۱۲	۴-۲-۱- معرفت در فلسفه اسلامی.....
۱۳	۱-۴-۲-۱- معرفت از دیدگاه ابن سینا.....
۱۴	۲-۴-۲-۱- معرفت از دیدگاه شیخ اشراق.....
۱۵	۳-۴-۲-۱- معرفت از دیدگاه ملاصدرا.....
۱۶	۵-۲-۱- ارکان معرفت در فلسفه اسلامی.....
۱۷	۳-۱- منابع معرفت.....
۱۹	۱-۳-۱- طبیعت.....
۲۱	۲-۳-۱- عقل.....
۲۱	۱-۲-۳-۱- مراد از عقل.....
۲۱	۲-۲-۳-۱- عقل نظری و عقل عملی.....
۲۴	۳-۳-۱- وحی.....
۲۴	۴-۳-۱- قلب.....

عنوان

صفحه

- ۱-۳-۴-۱- علم حصولی و علم حضوری ۲۵
- ۴-۱- موانع معرفت ۲۸
- ۱-۴-۱- موانع حوزه نظر و شناخت ۲۸
- ۲-۴-۱- موانع حوزه عمل و اخلاق ۲۹
- ۱-۲-۴-۱- ساحت های وجودی انسان ۳۰
- ۱-۱-۲-۴-۱- ساحت عقیدتی ۳۱
- ۲-۱-۲-۴-۱- ساحت عاطفی ۳۱
- ۳-۱-۲-۴-۱- ساحت ارادی ۳۱
- ۵-۱- موانع معرفت به روایت برخی از فیلسوفان مسلمان ۳۱
- ۱-۵-۱- ابن سینا ۳۲
- ۲-۵-۱- شیخ شهاب الدین سهروردی ۳۵
- ۳-۵-۱- صدر الدین محمد شیرازی (ملاصدرا) ۳۸
- ۶-۱- معرفت شناسی فضیلت ۴۲

۲- فصل دوم:

- ۱-۲- تعریف علم ۴۸
- ۱-۱-۲- تعریف سلبی علم ۴۸
- ۲-۱-۲- تعریف ایجابی علم ۴۹
- ۳-۱-۲- علم و معرفت حقیقی از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) ۵۰
- ۴-۱-۲- راه های علم و معرفت ۵۱
- ۵-۱-۲- ابزار معرفت ۵۳

عنوان

صفحه

۵۳	۲-۱-۵-۱-حس
۵۳	۲-۱-۵-۲-عقل
۵۴	۲-۱-۵-۳-قلب
۵۵	۲-۱-۶-فضیلت علم و معرفت
۵۶	۲-۲-موانع شناختی معرفت
۵۹	۲-۲-۱-انحراف از حکم عقل
۶۴	۲-۲-۲-طبیعت گرایبی صرف
۶۷	۲-۲-۳-عقل گرایبی صرف و محدودیت قوه عاقله
۶۹	۲-۲-۴-تقلید مذموم
۷۳	۲-۲-۵-خرافه گرایبی
۷۵	۲-۲-۶-احکام ضد عقل قوه واهمه
۷۷	۲-۲-۷-محدودیت مفاهیم و الفاظ و کلمات (زبان)
۷۹	۲-۲-۸-جهل نسبت به سیر انفسی انسان
۸۰	۲-۲-۹-شک مذموم
۸۴	۲-۲-۱۰-خلط میان ادراکات حقیقی و ادراکات اعتباری

۳- فصل سوم:

۸۹	۳-۱-رابطه علم و عمل
۹۱	۳-۲-موانع غیر شناختی معرفت
۹۱	۳-۲-۱-عدم اعتدال قوای نفسانی
۹۴	۳-۲-۱-۱-رابطه علم، اخلاق و عمل

صفحه	عنوان
۱۲۵.....	۳-۱-۴- طهارت قلب.....
۱۲۶.....	۴-۱-۴- مشاهده و رؤیت.....
۱۲۷.....	۵-۱-۴- تجرید ذهن.....
۱۲۹.....	۶-۱-۴- معرفت نفس.....
۱۳۰.....	۷-۱-۴- صبر و رعایت ادب.....
۱۳۱.....	۲-۴- راه های دفع و رفع موانع غیرشناختی معرفت.....
۱۳۱.....	۱-۲-۴- اصلاح اخلاق.....
۱۳۲.....	۱-۱-۲-۴- راه های کسب فضیلت های اخلاقی.....
۱۳۴.....	۲-۱-۲-۴- طریق رفع رذائل اخلاقی.....
۱۳۶.....	۲-۲-۴- تسلیم، عفو، اعراض از جاهل، امر به معروف و استعاذه.....
۱۳۷.....	۳-۲-۴- تقوی.....
۱۳۸.....	۴-۲-۴- محاسبه و نظر در اعمال.....
۱۳۹.....	۵-۲-۴- توبه.....
۱۴۰.....	۶-۲-۴- انفاق.....
۱۴۲.....	نتایج و پیشنهادات.....

مقدمه:

معرفت‌شناسی پایه اساسی و سنگ زیرین هر نظام فلسفی و همچنین غایت اعلای هر انسان حقیقت‌جویی است، از این رو عواملی که مانع تحصیل این غایت است، یکی از موضوع‌های مهم محسوب می‌شود که باید بدان پرداخته شود. با شناختی که از انسان داریم می‌دانیم که هیچ انسانی مایل نیست که در جهل و نادانی بماند و در گمراهی غوطه‌ور گردد. در تمایل انسان به علم و معرفت همین بس که او از این که متهم به جهل شود، گریزان است و نادانی را خلاف شأن انسانی خود می‌داند. از طرفی حقیقت، بیانگر آن است که بیش از یک واقعیت برای پدیده‌های عالم هستی وجود ندارد؛ اما با این وجود می‌بینیم که اندیشه‌ها و قرائت‌های افراد در باره واقعیت‌های هستی متفاوت است؛ لذا این سؤال مطرح می‌شود که منشأ این اختلاف‌ها و گاه برداشت‌های ضد و نقیض چیست و علت را در کجا باید یافت؟ مسلم است که برداشت‌های مختلف از موانع و آفت‌هایی سرچشمه می‌گیرند که هر یک به نوبه خود در سقوط و انحراف فکری انسان نقشی اساسی دارند؛ زیرا اگر شناخت انسان عاری از عیب و آفت بود این همه اختلاف آراء و جهان بینی‌های مختلف و گاه متضاد وجود نداشت. از این رو هدف نگارنده در این پژوهش طراحی موانع و آفت‌های معرفت از دیدگاه فیلسوف مسلمان معاصر علامه طباطبایی

(ره) است؛ زیرا شناخت موانع معرفت و تمسک به راههای گریز از این موانع، رهروان راه معرفت را برای فهم کلیه معارف انسانی و دست یافتن به واقعیت‌های موجود در عالم هستی یاری می‌رساند..

۱- سؤال اصلی پژوهش و تبیین آن:

موضوع مورد بحث، موانع معرفت از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) است. پژوهش حاضر در صدد است تا دیدگاه علامه طباطبایی (ره) را در این خصوص مورد بررسی قرار دهد تا مشخص شود که اولاً: معرفت از دیدگاه ایشان چیست؟ و ثانیاً: چه عواملی مانع تحصیل معرفت به طور اعم یا اخص (در بعضی حیطه‌ها از جمله معرفت نسبت به خداوند و...) محسوب می‌شوند؟ در این پژوهش معرفت به عنوان یک متغیر وابسته و موانع شناختی همچون عدم تبعیت از حکم عقل، طبیعت‌گرایی صرف، عقل‌گرایی صرف و... و موانع غیرشناختی از قبیل عدم اعتدال قوای نفسانی، شیطان، گناه، دنیاطلبی و... متغیرهای مستقل هستند.

۲- سؤال‌های فرعی پژوهش:

- ۱- موانع شناختی معرفت از نظر علامه طباطبایی (ره) کدامند؟
- ۲- موانع غیر شناختی معرفت از نظر علامه طباطبایی (ره) کدامند؟
- ۳- دیدگاه علامه طباطبایی (ره) در باره چگونگی رفع موانع شناختی و غیرشناختی معرفت چیست؟

۳- فرضیات پژوهش:

- ۱- موانعی مانند انحراف از حکم فطرت، طبیعت‌گرایی صرف، عقل‌گرایی صرف، تقلید، خرافه‌گرایی و... از جمله موانع شناختی معرفت می‌باشند.
- ۲- موانعی مانند عدم اعتدال قوای نفسانی، شیطان، گناه، دنیاطلبی و ... از جمله موانع غیرشناختی معرفت می‌باشند که مانع رویش معرفت یا ضعف و عدم قوت آن می‌گردد.

۳- توسل به منطق و تبعیت از حکم عقل، طهارت قلب، مشاهده و رؤیت، معرفت نفس و همچنین اصلاح اخلاق، تسلیم، عفو، تقوی، محاسبه و... از جمله سفارش‌های ایشان برای رفع موانع معرفت است.

۴- روش پژوهش:

روش پژوهش در اثر حاضر، "روش کتابخانه‌ای" است که طی مراحل زیر صورت گرفته است.

الف) جمع‌آوری، شمارش و دسته‌بندی موانع شناختی و غیرشناختی معرفت و همچنین راه‌های درمان آن در آثار علامه طباطبایی (ره) به ویژه "تفسیر المیزان".

ب) توضیح و تبیین موارد احصاء شده.

ج) تکمیل و متمیم موارد فوق.

به عبارتی کوتاه‌تر می‌توان گفت مراحل این پژوهش عبارت است از:

الف) جمع‌آوری و احصاء ب) توضیح و تبیین ج) تکمیل و متمیم.

۵- شرحی از برخی پژوهش‌های انجام شده:

برخی از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه عبارتند از:

الف) پایان‌نامه‌ای با عنوان "موانع شناخت از منظر آیات و روایات" نویسنده: ابراهیمی،

قربان مقطع: کارشناسی ارشد رشته: الهیات و معارف اسلامی حوزه علمیه خراسان

این رساله در پنج فصل فراهم آمده که فصل اول آن، پس از معرفی دیدگاه‌های معرفت-

شناسی به ویژه نظریه قرآن، موانع معرفت را از دیدگاه قرآن و روایات برشمرده است. در فصل

دوم آن به تعریف تحقیق، شیوه‌های آن و روش به کار رفته در این پژوهش پرداخته و فصل

سوم، موانع تحصیل معرفت را در دو حوزه درونی و بیرونی به تفصیل نمایش داده است. در

فصل چهارم پس از طرح مباحث مقدماتی به تحلیل اجمالی یافته‌ها پرداخته و فصل پنجم مطالب کلیدی هر بحث در فصول مختلف را با عبارت کوتاه و گویا ارائه نموده است.

ب) پایان نامه‌ای با عنوان "معرفت شناسی نزد ابن سینا و علامه طباطبایی (ره)" نویسنده: صفی الدین، حسین مقطع: کارشناسی ارشد رشته: الهیات و معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه: امام صادق (ع)

در این رساله برای شناخت‌شناسی جایگاه مهمی در فلسفه اسلامی قائل شده که اوج آن رادر مکتب فلسفی حکمت متعالیه در اندیشه‌های ملاصدرا و همچنین علامه طباطبایی معرفی نموده، به گونه‌ای که علامه را صاحب ابتکارات عدیده می‌داند. در این پایان‌نامه تحلیل مفصلی در این مورد ارائه شده که همراه با شرح دقیق بسیاری از اصطلاحات به کار رفته در این مباحث می‌باشد از قبیل تعریف شناخت‌شناسی، تفاوت بین شناخت و تعریف علم، تعریف رئالیسم و... همچنین در این پایان‌نامه تحلیلی از انگیزه‌ها و اسباب تاریخی که منجر به ظهور اندیشه‌های شناخت‌شناسی در فلسفه اسلامی ارائه شده است.

ج) پایان‌نامه‌ای با عنوان "قلب و نقش آن در معارف الهی از دیدگاه قرآن" نویسنده: حیدری، محمد کاظم رشته: علوم قرآن و حدیث مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی نویسنده این اثر در بخش چهارم این پایان‌نامه، موانع نظری، عملی و واقعی معرفت قلبی را مورد بررسی قرار داده است.

د) پایان‌نامه‌ای تحت عنوان "مباحث اخلاقی تفسیر المیزان" در فصل سوم این رساله موانع معرفت الهی مورد بررسی قرار گرفته است.

۵- معرفی فصول:

فصل اول: این فصل تحت عنوان "کلیاتی در باره معرفت و موانع معرفت" است که نگارنده در آن به بیان تعاریفی در باره معرفت شناسی می‌پردازد سپس تعریف اصطلاحی معرفت و

همچنین تعریف معرفت از دیدگاه سه فیلسوف مسلمان، ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا مطرح می‌شود. راقم سطور، ضمن معرفی تقسیم بندی‌های مختلف منابع معرفت، به ویژگی‌های چهار منبع طبیعت، عقل، وحی و قلب اشاره می‌کند. ضمن بحث از قلب به عنوان منبعی که معرفت حاصل از آن معرفتی شهودی و حضوری است، تقسیم علم به حصولی و حضوری و ملاک تحقق علم حضوری و مراتب آن مطرح می‌شود. به دنبال چهره‌ای از بحث موانع معرفت در دو حوزه نظر و عمل ارائه می‌گردد. آنگاه به دلیل وجود ردّ پای احساسات، خواهش‌ها و امیال، وجود سه ساحت عقیدتی، عاطفی و ارادی در انسان تبیین می‌شود. در ادامه نگارنده به پاره‌ای از نظرات بنیان‌گذاران سه مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه در باره موانع معرفت اشاره می‌کند و در پایان ضمن بحث از "معرفت شناسی فضیلت" نقطه نظر برخی از فیلسوفان معاصر غرب، در باره تأثیر ویژگی‌های فضیلت‌مندانه انسان بر روند کسب معرفت مطرح می‌شود.

فصل دوم: نگارنده در این فصل تحت عنوان موانع شناختی معرفت، ابتدا به دیدگاه علامه طباطبایی (ره) در باره تعریف علم سپس به بیان نقطه نظر ایشان در باره علم و معرفت حقیقی می‌پردازد و در ادامه به تبیین راه‌های علم و معرفت و ابزار دسترسی به معرفت از روزه نگرش ایشان اشاره می‌کند. فضیلت علم بر عمل از دیدگاه علامه مطلب دیگری است که در ادامه مباحث بدان پرداخته می‌شود. سپس در ادامه در ذیل دیدگاه علامه در باره این که علم افاضه- ای است الهی، که انسان رسالتی جز فراهم سازی بستری مناسب برای این افاضه را ندارد به تبیین و شرح موانع شناختی معرفت از دیدگاه ایشان پرداخته می‌شود.

فصل سوم: این فصل دارای عنوان موانع غیرشناختی معرفت از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) است. ابتدا در این فصل به رابطه علم و عمل از دیدگاه علامه پرداخته می‌شود سپس ضمن بیان منظور از موانع غیرشناختی، این دسته از موانع، معرفی و تبیین می‌شود.

فصل چهارم: نگارنده در این فصل با عنوان دیدگاه علامه طباطبایی (ره) در باره چگونگی رفع موانع شناختی و غیرشناختی معرفت، در ابتدا به بیان راه‌های رفع موانع شناختی معرفت از دیدگاه ایشان می‌پردازد سپس نظرات علامه را برای رفع و یا دفع موانع غیر شناختی معرفت، تبیین می‌کند.

۱- فصل اول: کلیاتی در باره معرفت شناسی و موانع معرفت

در این فصل برآنیم تا ضمن تعریف معرفت شناسی و ایضاح مفهومی واژه کلیدی معرفت، به معرفی منابع و ابزار معرفت پردازیم. سپس به دنبال تقسیم علم به حضوری و حصولی، به موانع معرفت در دو بخش نظری و عملی اشاره کنیم و سرانجام به پیگیری این بحث در نگاه برخی از حکمای مسلمان و فیلسوفان غربی پردازیم.

۱-۱- تعریف معرفت شناسی: درباره "معرفت شناسی" ^۱ یا "نظریه معرفت"

تعاریف گوناگونی ارائه شده است. برای نمونه به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

"معرفت شناسی" واژه‌ای است که از دو کلمه یونانی "دانش" ^۲ و "عقل کل" ^۳ گرفته شده و به ماهیت معرفت و توجیه می پردازد. موضوعات مورد توجه معرفت شناسی عبارتند از: الف- ویژگی‌های تعیین کننده ب- منابع و شرایط اصلی ج- محدودیت‌های معرفت و توجیه. ^۴ در تعریف دیگری: "معرفت شناسی" یکی از شاخه‌های اصلی فلسفه است که با ماهیت، منابع و حدود معرفت سروکار دارد. ^۵ همچنین گفته‌اند: معرفت شناسی "علمی است که در باره شناخت

^۱ - Epistemology

^۲ - episteme

^۳ - logos

^۴ - "epistemology", *The CAMBRIDGE Dictionary of Philosophy*, 1995, p:273;

^۵ - "epistemology", *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, volume3, 1998, p:362;

انسان و ارزشیابی انواع شناخت و تعیین ملاک صحت و خطای آن‌ها بحث می‌کند.^۱

با نگاهی به تعاریف فوق می‌توان گفت فلاسفه، معرفت‌شناسی را علمی می‌دانند که پاسخگوی سؤالات بشر در باب علوم است. سؤالاتی از قبیل این‌که: حقیقت علم چیست؟ ملاک مطابقت علوم کدامند؟ واقع کدام است؟ چه علمی قابل اعتماد هستند؟ از کجا بدانیم علوم بشر خطا نیست؟ خطا در چه بخشی از علوم صورت می‌گیرد؟ آیا تمام علوم بشری خطاپذیرند؟ آیا عقل توان رسیدن به واقع را دارد؟ منابع معرفت و محدودیت‌های آن چیست؟

۱-۲- تعریف معرفت: محور معرفت‌شناسی "معرفت" است. در لغت واژه‌های "معرفت"،

"شناخت"، "علم و آگاهی" و گاهی "ادراکات جزئی" به یک معنا به کار می‌رود.^۲

۱-۲-۱- تعریف اصطلاحی معرفت: افلاطون برای اولین بار مسائلی معرفت‌شناسانه در

باب معرفت و اجزای سازنده معرفت بیان کرد. او نخست در باب چیستی علم و معرفت در چارچوب نظریه معرفت‌شناختی "تذکر" مطرح نمود که متعلق معرفت حقایق پیشینی هستند که ثابت و خطاناپذیرند و امور محسوس و وظیفه یادآوری آن حقایق را به عهده‌دارند. او جهان محسوس را متعلق معرفت نمی‌داند بلکه آن را موضوع باور می‌داند. در این نظریه معرفت و باور دو حالت ذهنی متفاوتند به گونه‌ای که نمی‌توان معرفت را به وسیله باور تعریف کرد. وی در تمایز باور و معرفت اظهار می‌دارد که باور امری خطاپذیر است در حالی که معرفت ادراکی بی‌واسطه و خطاناپذیر است.^۳ اما در نظریه دوم، افلاطون معرفت حقیقی را تنها باور صادق موجهی می‌داند که به امور ثابت تعلق می‌گیرد.^۴

^۱ - مصباح، محمد تقی، آموزش فلسفه، چاپ ششم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، جلد اول، ص ۱۵۳

^۲ - مصباح، آموزش فلسفه، جلد اول، ص ۱۵۱-۱۵۲.

^۳ - ر.ک: دیوید، هاملین، تاریخ معرفت‌شناسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۹-۱۱.

^۴ - ر.ک: همانجا و ر.ک: کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، ۱۳۷۵، جلد اول، صص ۱۷۴-۱۷۵.